



مجرمان مواد مخدر به مثابه مجرمان پر خطر در نظام عدالت کیفری ایران

اکبر زمان زاده^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۰۲/۲۷

چکیده

در سیاست جنایی ریسک مدار، یکی از مهمترین مسائل، کیفیت پیش‌بینی رفتارهای آتی فرد و در واقع چگونگی شناسایی مرتکبین پر ریسک است. تعیین ضابطه برای تعیین جرائم خطرناک، مستلزم شناسایی دقیق ارزش‌های موردنظر جامعه و اعمال خطرناکی است که به این ارزش‌ها و نهایتاً امنیت جامعه آسیب می‌زنند. عدم تعیین ضوابط دقیق برای مجرمان خطرناک، گاه منجر به اعمال سلیقه‌های شخصی قضات و در نتیجه نقض اصل برابری افراد در برابر حمایت قانون خواهد شد. هرچند قانونگذار ما صراحتاً در بند (الف) ماده ۴۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ایجاد بانک اطلاعاتی برای مجرمان خطرناک را پیش‌بینی نموده است، لیکن هیچ گونه معیار و ملاکی برای تعریف مجرمان خطرناک ارائه نمی‌دهد. لذا در این مقاله سعی بر آن است جهت بررسی معیار و ضابطه تعیین مجرمین مواد مخدر به عنوان گروهی از مجرمین خطرناک، با بررسی قوانین موضوعه و بازبینی تفاوت و محدودیت‌هایی که قانونگذار برای جرایم مواد مخدر در مقایسه با سایر جرایم در نظر گرفته است؛ به برخی از شاخص‌های سیاست کیفری سخت‌گیرانه مبتنی بر رویکرد ریسک جرم در تعیین درجه خطرناک بودن اینگونه مجرمین بپردازیم.

کلید واژه‌ها

سیاست کیفری سخت‌گیرانه، رویکرد مدیریت خطر جرم، معیار تعیین خطرناکی، مجرمان مواد مخدر

^۱ دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی و مدرس دانشگاه. (نویسنده مسئول):

مقدمه

سیاست کیفری ایران در قبال جرایم مواد مخدر سیاستی سختگیرانه و مبتنی بر شدت عمل کیفری است؛ تا جایی که حتی اعتیاد به مواد مخدر نیز جرم انگاری شده است. این سخت گیری بصورت جرم انگاری های افراطی، تعیین مجازات های شدید مانند حبس های طولانی مدت، اعدام و شلاق و محدود کردن حقوق دفاعی متهم می باشد (رحمدل، ۱۳۷۹). یکی از جلوه های تقنینی سخت گیری کیفری در مورد جرایم مواد مخدر «قانون مبارزه با مواد مخدر» مصوب ۱۳۷۶ و سپس «قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر سال ۱۳۷۶» مصوب ۱۳۸۹ است. این قانون به همراه قوانین مرتبط دیگر از جمله آیین دادرسی کیفری نوعی سخت گیری کیفری را در پاسخ به اینگونه جرایم در نظر گرفته است. لیکن نکته بسیار مهم در این خصوص این است که آیا می توان دلیل این سیاست سخت گیرانه قانونگذار را رویکرد ریسک مدار به جرایم مواد مخدر دانست؟ اگر اینگونه باشد، تشخیص مجرمین خطرناک و روش شناسایی اینگونه مجرمان چگونه است؟ مطمئن ترین روش شناسایی مجرمان خطرناک از سایر مجرمان نیز معرفی این مجرمان از سوی قانونگذار است. گاهی ممکن است قانونگذار با تعیین ضابطه یا معیار، زمینه تمییز این جرائم را از جرائم دیگر فراهم کرده و گاه ممکن است با استخراج جرائمی از قوانین جزائی، مصادیق جرائم خطرناک را احصاء کند. با ارائه معیار از سوی قانونگذار، یافتن مصادیق جرائم خطرناک در قوانین کیفری به راحتی امکان پذیر است. اما به لحاظ دشواری تعیین ضابطه، آسان ترین روش، احصاء یکایک جرائم خطرناک از سوی قانونگذار است. بدین ترتیب، قاضی تصمیم گیرنده با تکیه بر پیشینه و تجربه قضایی خویش با اماره هایی که قانونگذار به عنوان عوامل خطرناکی در اختیار او قرار داده است عمل می کند (رضوانی، ۱۳۹۱). و مجریان در تشخیص مصادیق جرائم خطرناک و برخورد با مرتکبان این جرائم مواجه با سردرگمی نمی شوند. لیکن عدم تعیین معیارهای دقیق برای مجرمان خطرناک، گاه منجر به اعمال سلیقه های شخصی قضات و در نتیجه نقض اصل برابری افراد در برابر حمایت قانون خواهد شد.

تفرید قضایی و ابزارهای مربوط به آن، به همان میزان که فرصت است می تواند آسیب تلقی شود، زیرا اصل فردی کردن مجازات ها که از چالش های سر راه اصل تساوی مجازات ها است این فرصت را برای قاضی دادگاه کیفری ایجاد می کند تا با کنکاش در شخصیت بزهدار در ابعاد بیولوژیک، سایکولوژیک و سوشیال حکمی صادر نماید. اما قبل از آن شناسایی ملاک های علمی و تعریف و طبقه بندی مجرمان پر خطر و کم خطر از سوی قانونگذار و ارائه راهکارهای قانونی در جهت رعایت اصل فردی کردن مجازات ها، می تواند تا حد امکان از اعمال سلیق شخصی

قضات بکاهد. هر چند تا این زمان هیچ گونه تعریف قانونی از مجرمین پر خطر در قوانین ایران مشاهده نمی‌شود لذا در تشخیص مجرمان پر خطر ناگزیر به مراجعه در متون قانونی هستیم تا از بطن مفاد قانون به رویکرد قانونگذار در خصوص میزان خطرناک بودن مجرمین پی ببریم. با توجه به این مقدمه، در این مقاله بصورت توصیفی - تحلیلی و بر اساس استدلال منطقی به معیار شناسایی مجرمین مواد مخدر به عنوان گروهی از مجرمین خطرناک در قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر و اصلاحات بعدی و آیین نامه‌های موجود خواهیم پرداخت و همچنین سعی می‌نماییم به این موضوع بپردازیم که تا چه حد تعیین درجه خطرناکی مرتکبین مواد مخدر با ملاک‌های خاص علمی مطابقت دارد.

۱- ملاک تعیین مجرمان مواد مخدر به عنوان مجرمان پر خطر

ثبت مجرمان خطرناک یکی از دغدغه‌های اساسی سیاستگذاران در قلمرو کنترل بزهکاری، چگونگی مدیریت مجرمان خطرناک در جامعه است. «ثبت اطلاعات مجرمان خطرناک از سوی دستگاه پلیسی و سایر مراجع، ابزاری مهم در جهت کنترل این مجرمان در سطح جامعه محسوب می‌شود. هدف از ثبت اطلاعات مجرمان خطرناک، اشراف اطلاعاتی پلیس نسبت به محل اقامت و موقعیت فعلی این افراد و به روزآوری پرونده‌ها، شناسایی سریع‌تر مظنونان و پیشگیری از تکرار جرم از سوی پلیس است» (توماس، ۲۰۱۰، ۶۱). در نظام عدالت کیفری کنونی هرچند قانونگذار صراحتاً در بند (الف) ماده ۴۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ایجاد بانک اطلاعاتی برای مجرمان خطرناک را وظیفه واحد سجل کیفری و عفو و بخشودگی معاونت اجرای احکام کیفری می‌داند، لیکن هیچ گونه معیار و ملاکی برای تعریف اینگونه مجرمین ارائه نمی‌دهد و مصادیق جرائم خطرناک را نیز احصاء نکرده است. قوانین موضوعه سابق مانند قانون اقدامات تأمینی و تربیتی^۱، هرچند شاخص‌هایی را برای تشخیص

^۱ هر چند قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب سال ۱۳۳۹ به موجب ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ نسخ شده است. لیکن لازم به ذکر است که این قانون با الهام از آموزه‌های مکتب تحقیقی به تعریف مجرمان خطرناک پرداخته بود. مطابق ماده ۱ این قانون: «... مجرمین خطرناک کسانی هستند که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی آنان و کیفیت ارتکاب و جرم ارتکابی، آنان را مظان ارتکاب جرم در آینده قرار دهد اعم از اینکه قانوناً مسئول باشند یا غیرمسئول». این ماده برای ارزیابی شخصیت جنائی و حالت خطرناک بزهکار، به پنج عامل اشاره کرده بود که سه عامل آن یعنی: سوابق جرم، خصوصیات روحی و خصوصیات اخلاقی مستلزم انجام آزمایش‌ها و بررسی‌های پزشکی، روانپزشکی و مددکاری اجتماعی بود. در این ماده، شاخص‌هایی برای تشخیص

مجرم خطرناک بیان کرده است؛ لیکن نمی‌توان از آن به عنوان ملاک قانونی برای معرفی مجرمان خطرناک بهره گرفت (بابایی، ۱۳۹۰). قانونگذار در ماده ۴۸ مکرر ق.م.ا سابق نیز فارغ از ایرادات از نظر شاخص قانونی، تلاش کرده بود بزه‌کاران مکرر را به عنوان مجرمین خطرناک مشمول تدابیر سختگیرانه قرار دهد حال آنکه در رویکرد مدیریت خطر جرم، بزه‌کاران مکرر، تنها یکی از انواع بزه‌کاران خطرناک هستند (قاسمی مقدم، ۱۳۸۸) از جمله مجرمین مواد مخدری که با تکرار جرم خود مشمول مجازات‌های شدیدتری از سوی قانونگذار قرار گرفته و موضوع تدابیر فشرده مدیریت خطر قرار می‌گیرند و در مباحث آتی بیشتر به آن می‌پردازیم.

با توجه به فقدان قانون خاص در زمینه جرائم و مجرمان خطرناک، ناگزیر باید با جستجو در قوانین و مقررات موضوعه جهت دستیابی به معیاری برای استفاده احتمالی در قانونگذاری آینده بهره گرفت. لذا جهت بررسی معیار و ضابطه تعیین مجرمین مواد مخدر به عنوان مجرمین خطرناک می‌بایست قوانین و مقررات شامل مقررات ماهوی و شکلی، قوانین حاکم و منسوخ، و لویج و آیین‌نامه‌ها و... مورد بازبینی قرار تا از فحوای آن‌ها، تفاوت و محدودیت‌هایی که قانونگذار بین جرایم مواد مخدر و سایر جرایم در نظر گرفته به برخی از این معیارها اشاره کنیم.

۱-۱- معیار مجرمین خطرناک در مرحله تحقیقات مقدماتی

تشکیل پرونده شخصیت و قرار بازداشت موقت به عنوان یکی از معیارهای عام و مهم در تشخیص مجرمین خطرناک از جمله مجرمین مواد مخدر قابل طرح است. که در قسمت ذیل به بررسی هر یک از آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۱-۱- پرونده شخصیت، ابزار سنجش ریسک مجرم

امروزه پرونده شخصیت فرد فقط یک گزارش ساده روانپزشکی برای احراز مسئولیت نیست. هرچند یکی از چالش‌های مهم پیرامون پرونده شخصیت این است که باید در مرحله تحقیقات

خطرناک بودن مجرم بیان شده بود که احراز این شاخص‌ها به عهده مقام قضایی بود و ملاک قانونی برای تشخیص مجرم خطرناک ارائه نشده بود. بدین ترتیب نمی‌توان به استناد این ماده، تکرار جرم را به عنوان شاخص قانونی مجرم خطرناک محسوب کرد. هرچند مفهوم مجرم خطرناک در قانون اقدامات تأمینی و تربیتی با مفهوم امروزین مجرم خطرناک متفاوت است، می‌توان از ماده ۱ این قانون به نکاتی در جهت بازتعریف از مجرمان خطرناک دست یافت.

مقدماتی تشکیل شود و یا در مرحله محاکمه و اجرای حکم؟ لیکن تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری که تشکیل پرونده شخصیت را در مرحله تحقیقات مقدماتی قانونی دانسته، به موجب ماده ۶۴ آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴، تشکیل پرونده شخصیت برای نظارت بر روند اصلاح و درمان بزهکاران در زندان و طبقه بندی آن‌ها پیش بینی شده است^۱. همچنین آیین نامه اجرایی سازمان کانون اصلاح و تربیت ایران تشکیل پرونده شخصیت اطفال و نوجوانان بزهکار را ضروری دانسته است. (رضوانی، ۱۳۹۱).

پیش از طرح اندیشه عدالت سنجشی، محتوای پرونده شخصیت مبتنی بر تجزیه و تحلیل کلی نیازهای مرتبط با عمل مجرمانه بود و نه فقط عوامل جرم‌زا. اما رویه کنونی تشکیل پرونده شخصیت نشان می‌دهد که اعداد و ارقام عینی، جایگزین برداشت‌های ذهنی و شخصی درباره ابعاد اجتماعی، تحصیلی، اقتصادی و فردی زندگی بزهکار شده و ارزیابی ریسک و نیاز، یکی از کاربردهای مهم این پرونده است. به بیان دیگر، یک پرونده شخصیت کامل و دقیق، در عمل خطرناکی جرم و مجرم را پیش از هر اقدام دیگری برای سنجش ریسک، ارزیابی می‌کند، بدین ترتیب در رویکرد مدیریتی، پرونده شخصیت دیگر فقط برای فردی کردن مجازات یا اجرای کیفر منطبق با شخصیت بزهکار به منظور اصلاح و بازپروری او تنظیم نمی‌شود. اطلاعات مندرج در پرونده شخصیت بزهکار به منظور ارزیابی ریسک مرتکب به کار گرفته می‌شوند.

ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بازپرس را مکلف به دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم به واحد مددکاری اجتماعی و در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، حبس ابد و جرایم تعزیری درجه چهار و بالاتر و... نموده است و این پرونده حاوی گزارش مددکاری در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم و همچنین گزارش پزشکی و

^۱ ماده ۶۴- محکومان حداکثر دوماه در قسمت پذیرش و تشخیص تحت آزمایشگاه‌های پزشکی، روانپزشکی، آزمون‌های روانشناسی و شناخت شخصیت و استعداد قرار گرفته و میزان سلامت جسمی و روانی معلومات و اطلاعات مذهبی و علمی و فنی آنان را در جهت شناخت شخصیت بررسی و تعیین می‌گردد. مددکاران اجتماعی طبق فرم‌های تنظیمی که براساس موازین اسلامی از سوی سازمان تهیه می‌شود در مورد پیشینه زندگی تحقیقات لازم به عمل آورده گزارش کاملی از گذشته محکوم یا متهم از دوران طفولیت تا زمان تنظیم گزارش در محیط‌های مختلف خانوادگی، تحصیلی، محلی، حرفه‌ای و غیره را با اظهارنظر خود تهیه می‌نمایند. در انقضای مدت اقامت آنان در قسمت پذیرش و تشخیص کلیه گزارش‌های متخصصان در پرونده او متمرکز می‌شوند تا در شورای طبقه‌بندی مطرح شود.

روانپزشکی است. بنابراین این با توجه جرایم مواد مخدر و مجازات‌های شدید به شرح فوق در خصوص برخی از رفتارهای مجرمانه، تشکیل پرونده شخصیت برای جرایم موجب مجازات‌های مذکورالزامی بوده و اطلاعات گردآوری شده در پرونده شخصیت برای تکمیل فرایند ارزیابی ریسک مفید و مناسب است و می‌تواند یکی از ابزارهای سنجش ریسک به شمار آید. زیرا معیارها و فاکتورهای متعددی را بررسی می‌کند و از جهت دیگر این اطلاعات مورد تایید مددکار، پزشک و روان پزشک نیز قرار می‌گیرد.

۱-۱-۲- قراربازداشت با هدف کنترل و خنثی سازی

در مرحله تحقیقات مقدماتی پس از تفهیم اتهام، در مورد متهم قرار صادر می‌گردد. قرارهای تامین بر حسب، خفیف یا شدید بودن درجاتی دارند که در حقوق ایران، ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری به بیان آن پرداخته و هدف از صدور قرار را دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن و تضمین حقوق بزه دیده برای جبران ضرر و زیان وی می‌داند.

همانگونه که از ماده استنباط می‌شود در صدور قرار تامین، سنجش ریسک فرار یا مخفی شدن متهم مدنظر است. از آنجا که سنجش میزان اعتماد به متهم در اختیار مرجع قضایی است، که باید برای صدور قرار تامین عادلانه که از یک طرف نظم و امنیت جامعه در اثر آزادی فرد مختل نشود و از سوی دیگر، آزادی بدون وجود دلیل قانع‌کننده سلب نگردد، میزان خطرناکی وی را پیش بینی کند (بابایی، ۱۳۹۰).

بنابراین در انتخاب نوع قرار و میزان آن، فاکتورهای چندی مد نظر قرار می‌گیرد که یکی از آن‌ها ریسک عدم حضور نزد مقامات قضایی است. بر همین مبنا است که به موجب ماده ۲۵۰ قانون مذکور، تأمین باید با نوع و اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد. به رغم تصریح قانون به رعایت تناسب قرار با جرم و خصوصیات مجرم، قضات بر اساس شاخص‌های خطرناکی که اغلب خود در ذهن دارند یا به صورت آماری به آن‌ها ارائه شده است تصمیم می‌گیرند. نداشتن ضابطه واحد و یا غیر متناسب با جرم و شخصیت بزه‌کار، در بسیاری از موارد منجر به تحدید حقوق و آزادی‌های متهم می‌شود. (رضوانی، ۱۳۹۱)

همچنین لازم به ذکر است که هر چند قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری قرار باز داشت موقت اجباری را حذف نموده است. لیکن طبق بند (ب) ماده ۲۳۸ قانون فوق یکی از موارد صدور قرار بازداشت موقت را زمانی می‌داند که بیم فرار یا مخفی شدن متهم برود هر چند تشخیص این موضوع توسط مقام تعقیب کننده باید احراز گردد لذا نوعی ریسک شهودی را قانونگذار در ماده فوق الذکر بدون توجه به ملاک‌های خاص علمی در نظر گرفته است که از این نظر چالش برانگیز و اعمال سلیق شخصی را به همراه خواهد داشت. در هر صورت، در صدور قرار تأمینی، سنجش ریسک از جمله فرار یا مخفی شدن متهم مد نظر است (پاک نهاد، ۱۳۸۸). رعایت شرایط و سنجش ریسک متهم در ماده ۲۳۸، در خصوص جرایم مهمی از جمله جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، حبس ابد و تعزیری درجه ۴ و بالاتر حتی در خصوص جرایم مواد مخدر مشمول مجازات‌های مذکور و اعمال بازداشت موقت به عنوان شدیدترین قرار تامین کیفری در خصوص اینگونه متهمین می‌باشد، اهمیت و خطرناکی اینگونه مجرمین را نمایان می‌سازد. با توجه به سنگین بودن این قرار چه بسا در رویکرد مدیریتی برای خنثی سازی موقت بزه کاران از این قرار استفاده شود. افرادی که به موجب قرار بازداشت موقت در حبس به سر می‌برند، به دلیل نگرش مدیریتی سیستم از بسیاری از حقوقی که باید برای رعایت عدالت و دادرسی عادلانه از آن بهره‌مند شوند محروم گردند. زیرا هدف داشتن برخورد انسانی و یا اصلاح و درمان مجرم از این گذر نیست؛ هدف صرفاً کنترل و خنثی سازی آنان است (رضوانی، ۱۳۹۱).

علاوه بر آن طبق تبصره ماده ۳۹۱ در خصوص جرایم مواد مخدر موجب مجازات سلب حیات، حبس دائم و جرایم تعزیری درجه سه و بالاتر، دادگاه جلب بدون احضار متهم را برای محاکمه لازم بدانند، دستور جلب وی را برای روز محاکمه صادر می‌کند. اینگونه جرایم، اصولاً جرائم مهم و خطرناک محسوب می‌شود. بنابراین از نوع قرار تامین کیفری و بازداشت موقت به عنوان شدیدترین تامین کیفری و همچنین جلب بدون احضار در جرائم خاص در قانون می‌توان در ارائه مصداق و معیار از جرائم خطرناک بهره گرفت.

۱-۲- باز بزه کاری یا تکرار جرم در جرایم مواد مخدر

شاخص بعدی که در تشخیص مجرمین مواد مخدر به عنوان مجرمین خطرناک می‌توان از آن یاد کرد توجه به سابقه کیفری، تکرار جرم و یا همان باز بزه کاری است. آسان‌ترین و شاید ساده انگارانه‌ترین شکل پیش‌بینی، تکیه بر سوابق کیفری مرتکب است. به گونه‌ای که وجود

برخی سوابق مثلاً دوبار ارتکاب جرایم خشونت آمیز، مبین پر ریسک بودن فرد باشد. قوانین سه ضربه‌ای در آمریکا^۱ از چنین منطقی استفاده کرده اند. هر چند قانونگذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در مواد ۱۳۶ و ۱۳۷ تکرار جرم را به عنوان یکی از عوامل تشدید مجازات و برخی از محدودیت‌های قانونی قرار داده است، لیکن به صورت خاص در قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر، تکرار کنندگان اینگونه جرایم در مواد ۲، ۵، ۶ و ۹ مشمول مجازات‌های شدیدتر و حتی اعدام در مرتبه چهارم قرار می‌گیرند.

بنابراین همانطور که ملاحظه می‌نماییم قانونگذار تکرار جرایم مواد مخدر را با توجه به مستندات قانونی ارائه شده یکی از معیارهای پرخطر بودن مجرمین مواد مخدر و تشدید مجازات نسبت به اینگونه مجرمین می‌داند. شاید تفکیک دو مقوله تکرار و تعدد جرم و تعریفی که قانونگذار در ماده ۱۳۷ از تکرار جرم ارائه می‌نماید، دلیل سخت‌گیری کیفری و محدودیت‌های قانونی نسبت به تکرار جرم باشد. و آن اصراری است که مرتکب حتی بعد از قطعیت حکم، تمایل به ارتکاب جرم جدید دارد و این نوع تکرار با سبق رفتار مجرمانه حاکی از نوعی نافرمانی و رفتار مخاطره آمیز است در صورتیکه در تعدد جرم این موضوع مفقود است و این رفتار دلیل سخت‌گیری کیفری، اعمال مجازات شدیدتر و محدودیت‌های قانونی در خصوص مجرمینی است که مکرر مرتکب جرم خواهند شد. قانونگذار حتی محدودیت‌هایی را نیز در قانون مجازات اسلامی در بند (ت) ماده ۴۰ و بند (ت) ماده ۵۸ استفاده از آزادی مشروط و تبصره ماده ۱۳۹ با عدم اعمال تخفیف مجازات را برای تکرار کنندگان جرایم در نظر گرفته است. علاوه بر آن مطابق تبصره ۱ ماده ۱۱۵ قانون مذکور، مقررات راجع به توبه از موارد سقوط مجازات، مشمول تکرار کنندگان جرایم از جمله مجرمین مواد مخدر نمی‌باشد. بنابر این همانگونه که ملاحظه می‌نماییم شاخص تکرار جرم یکی از معیارها و ضابطه تشخیص مجرمین مواد مخدری است که مشمول تعریف تکرار جرم قرار می‌گیرند و قانونگذار با بکارگیری رویکرد سزاگرایانه و تشدید مجازات در قانون مبارزه با مواد مخدر و همچنین منع استفاده از آزادی مشروط، تخفیف

^۱ Three strikes and you are out

در سال ۱۹۹۴، لایحه کنترل جرایم خشونت آمیز و اجرای قانون که با عنوان جرایم فدرالی هم شناخته می‌شود، به وسیله کنگره آمریکا تصویب شد. بر اساس این قانون مرتکبینی که دوبار سابقه ارتکاب جنایات خشونت آمیز یا جرایم مربوط به مواد مخدر داشته و بار سوم مرتکب یک جرم فدرال شوند، تعیین حبس ابد الزامی است. این قانون با توجه به قواعد بازی بیس بال «سه ضربه و آنگاه اخراج» که مطابق آن هر بازیکنی سه بار توپ به او اصابت کند، از بازی اخراج می‌شود، قانون سه ضربه‌ای نام گرفت. (پاک نهاد، ۱۳۸۸، ۱۳۴)

مجازات و عدم پذیرش توبه و... به نظر می‌رسد در جهت کنترل و مدیریت اینگونه مجرمین حرکت می‌نماید.

۱-۳- مجرمان مواد مخدر و اعمال مجازات‌های شدید

راهبرد کیفی دوگانه و تقسیم بزهکاران به دو دسته بزهکاران «پرریسک، استثنایی، دانه درشت، خطرناک، مزمن» و بزهکاران «کم ریسک، معمولی، دانه‌ریز» در تمام مراحل دادرسی مانند کشف جرم، تحقیقات، صدور حکم و حتی اجرای مجازات حاکم است. توان‌گیری و خنثی‌سازی بزهکاران به مثابه خطرهایی شدید یا گاه معمولی برای جامعه کار کرد اصلی کیفی را در نگاه مدیریتی تشکیل می‌دهد. گروه نخست معمولاً از طریق حبس‌های طولانی مدت و حبس ابد یا مجازات شدیدتر اعدام از جامعه طرد می‌شوند و بزهکاران معمولی با برخوردی نرم و ملایم روبرو می‌شوند (صفاری، ۱۳۸۷). جرایم مواد مخدر در برخی از اشکال مشمول مجازات‌های شدید از جمله اعدام، حبس‌های طولانی مدت، حبس ابد و شلاق می‌باشد که نشان از سخت‌گیری کیفی و مدیریت ریسک ارتکاب اینگونه مجرمین دارد.

۱-۳-۱- اعدام

مجازات مرگ شدیدترین و مهمترین نوع مجازات است که با اعمال آن به حیات مجرم پایان داده می‌شود. هدف از آن طرد ابدی مجرم از جامعه است و معمولاً نسبت به مجرمانی اعمال می‌شود که شدیدترین جرایم را مرتکب شده‌اند و برای جامعه خطرناک، غیر قابل اصلاح و درمان هستند. تاریخ تحولات حقوق کیفی نشان می‌دهد که در بازه‌های زمانی مختلف مرتکبان جرایم شدید و خطرناک با سخت‌ترین برخورد نظام عدالت کیفی روبرو بوده‌اند. به عنوان مثال سزار بکاریا به رغم اینکه مخالف سرسخت کیفر مرگ بود، ولی برای بزهکاران غیرقابل اصلاح که عوامل بازدارنده نسبت به آنان دیگر کارایی ندارد مجازات مرگ را تجویز می‌کند (پرادل، ۱۳۸۸).

در نگاه مدیریتی به جرم، مجرم خطرناک، غیرقابل اصلاح تلقی می‌شود و برای حفظ امنیت در مقابل او، باید اعدام و برای همیشه از جامعه طرد شود زیرا در چنین حالتی است که مجرم برای همیشه از ادامه فعالیت مجرمانه خود محروم می‌شود. دولت در مقام دفاع از خود و جامعه می‌تواند از مجازات اعدام استفاده نماید. به این ترتیب مجازات اعدام به عنوان یکی از ابزارهای

کنترل و مدیریت ریسک تکرار جرم مرتکبان خطرناک در سیاست جنایی ریسک مدار مورد استفاده قرار می‌گیرد (رضوانی، ۱۳۹۱).

بدین ترتیب حذف بزهکاران خطرناک برای امنیت جامعه و بخش بزرگ‌تر جمعیت آن توجیه می‌شود. صرف نظر از مسائل و اختلاف نظرانی که در مورد مشروعیت یا عدم مشروعیت اعدام در جرایم تعزیری مطرح شد و همچنین در چالش موازن حقوق بشر وجود دارد، به هرحال مجازات اعدام قابلیت اصلاح و درمان مجرم را به عنوان یک انسان نادیده می‌گیرد و او را فرد فاقد آزادی اراده محسوب می‌کند. که تسلیم سرنوشت محکوم خویش خطرناکی و بزهکاری می‌داند. چه بسا مجرمان تحت شرایط خاصی مرتکب جرم شده باشند که گاه تقصیری در آن ندارند و عوامل اجباری بیرونی و محیطی و یا علل دیگر دخیل در وقوع آن باشد لذا نبایستی با سلب حیات از آنان، فرصت اصلاح و بازگشت به جامعه را از آنان گرفت. البته به نظر می‌رسد با توجه به غیر قابل برگشت بودن مجازات اعدام، این مجازات حتی در مورد بزهکاران خطرناک باید در حد ضرورت و با دقت انجام شود.

قانونگذار در قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ و الحاقات بعدی آن مصوب ۱۳۸۹ در ۱۴ مورد، در خصوص جرایم مواد مخدر و با معیار قراردادن تکرار جرم (ماده ۲، ۵ و ۹)، میزان مواد مکشوفه (بند ۴ ماده ۴ و تبصره آن و ماده ۶ و بند ۶ ماده ۸)، تکرار جرم همراه با میزان مواد مکشوفه (ماده ۶ و ۹)، باز بزهکاری و افساد فی‌الارض (ماده ۹)، قاچاق مواد مخدر به صورت مسلحانه، توجه به وضعیت بزهکار و بزه‌دیده و تشدید مجازات (ماده ۱۸ و ۳۵) مجازات اعدام را برای مرتکبین جرایم مشمول در نظر گرفته است. استفاده گسترده از این نوع مجازات در خصوص جرایم مواد مخدر، نشانگر ابزاری در جهت کنترل و مدیریت ریسک تکرار جرم مرتکبان خطرناک جرایم مواد مخدر به شرح مذکور در سیاست جنایی ریسک مدار بوده و از این منظر توجیه می‌گردد. اما نکته قابل ذکر این است که دولت نباید تصور کند که با اعدام مجرمین مواد مخدر ریشه اینگونه جرایم قطع خواهد شد کما اینکه عدم بازدارندگی اعدام در خصوص اینگونه جرایم به اثبات رسیده و دولت نباید با پیش بینی مجازات اعدام، وظایف خود را در خصوص پیشگیری از عوامل جرم‌زا و تلاش در جهت اصلاح و درمان مجرمان خطرناک به فراموشی بسپارد.

۱-۳-۲- حبس‌های طولانی مدت و حبس ابد

موثرترین شکل توان‌گیری، مجازات اعدام است، لیکن با توجه به ایرادات وارد بر این

مجازات شدید شاید بهترین جایگزین از جهت توان‌گیری بزهکاران خطرناک حبس‌های اغلب طولانی مدت و یا حبس ابد باشد. هرچند قانونگذار در قانون مبارزه با مواد مخدر در کنار مجازات اعدام از این نوع مجازات نیز استفاده نموده است و در بند ۳ ماده ۴ و تبصره آن، بند ۵ و تبصره ۱ ماده ۸، مواد ۱۷، ۲۱، ۲۲، ۲۳ و ۳۸ از حبس ابد و حبس‌های طولانی مدت تا ۱۵ سال حبس در خصوص جرایم موضوع این مواد، استفاده نموده است. با وجود انتقادات و مخالفت‌های شدید به مجازات حبس، امروزه بازگشتی به کیفر حبس‌های طولانی مدت برای کنترل و توان‌گیری مجرمان خطرناک در نظام‌های حقوقی دنیا صورت گرفته است. برخی معتقدند حبس هرچند ممکن است افراد را از ارتکاب رفتارهای منحرفانه مجدد باز ندارد، اما سبب می‌گردد تا وی در مدت زمانی که در حبس بسر می‌برد، از ارتکاب جرایم و وارد کردن صدمه به جامعه بازداشته شود. به تعبیر ساده تر حبس زمینه را برای توان‌گیری از رهگذر اعمال کنترل مداوم و حداکثری بر افراد فراهم نموده و بر همین اساس رفتارهایی را که برای جامعه زیان‌آور هستند مانع می‌شود. در این فرایند زندان به محلی کارآمد مبدل شده است که بی‌آنکه به مجرم آسیب تازه‌ای برساند وی را تا زمان مقرر در زندان نگهداری کرده و از فرار و افزایش آسیب وی به جامعه و دیگران جلوگیری می‌کند. (غلامی، ۱۳۸۸)

علاوه بر شرایطی که ممکن است بر مجرمان خطرناک محبوس در زندان تحمیل گردد، مسئله دیگر طول مدت زندان و نیز تشدید مجازات حبس است. طول مجازات گاه بنا بر درجه خطرناکی مجرم به صورت نامحدود یا حبس ابد تعیین می‌شود. البته لازم به ذکر است که زندان‌ها نباید با توسل به توجیه‌هایی چون کنترل مجرمین بر ریسک و اصلاح ناپذیری آنان تبدیل به فراموش خانه‌هایی گردند که زندگی در آن‌ها لایق شان انسانیت نباشد. چه بسا مجرمانی که به اشتباه و براساس شاخص‌های نادرست خطرناک تشخیص داده شده‌اند و با زندگی در زندان برای همیشه امید بازگشت به جامعه را از دست بدهند. حتی در مورد مجرمان خطرناک نیز ممکن است شرایطی ایجاد شود که آنان واقعاً قابل اصلاح باشند (غلامی، ۱۳۸۸).

در واقع دولت‌ها به جای ایفای نقش‌های حمایتی- رفاهی، به دلیل مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی، بیشتر به مداخله در امور کیفری و سعی در برقراری نظم و امنیت با توسل به تشدید کیفر و سرکوب هر نوع رفتاری که به این نظم خلل وارد می‌کند می‌پردازند. توان‌گیری از مجرم با توسل به حبس‌های بلند مدت، منجر به تزلزل در دولت قانون مدار و در نتیجه کم رنگ شدن توجه به حقوق و آزادی‌های افراد شده است. سیاست برخورد دوگانه با

مجرمان خطرناک و معمولی، خود را در طبقه‌بندی زندانیان نیز متجلی ساخته است (رضوانی، ۱۳۹۱).

۱-۴- تجاهر به اعتیاد و تکلیف به اجرای تکالیف مراقبت بعد از خروج

یکی از رویکردهای اصلاحی، اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر تغییر نگرش بیمارگونه به معتاد در وهله اول و مطابق ماده ۱۵ قانون مذکور می‌باشد^۱ و تکلیفی جز ترک اعتیاد و اخذ گواهی از مراکز مجاز دولتی، غیر دولتی یا خصوصی مطابق آیین نامه اجرایی این ماده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱۷ ستاد مبارزه با مواد مخدر ندارند. لیکن تجاهر به اعتیاد و یا معتادانی که مبادرت به درمان و ترک اعتیاد اقدام ننمایند مجرم بوده و در این مرحله با دستور مقام قضایی و مستند به ماده ۱۶ در مراکز مربوط نگهداری می‌شوند. نکته مهم و حائز اهمیت تکلیف اینگونه معتادان

^۱ ماده ۱۵ - معتادان مکلفند با مراجعه به مراکز مجاز دولتی، غیردولتی یا خصوصی و یا سازمان‌های مردم‌نهاد درمان و کاهش آسیب، اقدام به ترک اعتیاد نمایند. معتادی که با مراجعه به مراکز مذکور نسبت به درمان خود اقدام و گواهی تحت درمان و کاهش آسیب دریافت نماید، چنانچه تجاهر به اعتیاد ننماید از تعقیب کیفری معاف می‌باشد. معتادانی که مبادرت به درمان یا ترک اعتیاد ننمایند، مجرمند.

۱- ماده ۱۶- معتادان به مواد مخدر و روان‌گردان مذکور در دو ماده (۴) و (۸) فاقد گواهی موضوع ماده (۱۵) و متجاهر به اعتیاد، با دستور مقام قضایی برای مدت یک تا سه ماه در مراکز دولتی و مجاز درمان و کاهش آسیب نگهداری می‌شوند. تمدید مهلت برای یک دوره سه‌ماهه دیگر با درخواست مراکز مذکور بلامانع است. با گزارش مراکز مذکور و بنابر نظر مقام قضایی، چنانچه معتاد آماده تداوم درمان طبق ماده (۱۵) این قانون باشد، تداوم درمان وفق ماده مزبور بلامانع می‌باشد.

تبصره ۱ - با درخواست مراکز مذکور و طبق دستور مقام قضایی، معتادان موضوع این ماده مکلف به اجرای تکالیف مراقبت بعد از خروج می‌باشند که بنابر پیشنهاد دبیرخانه ستاد با همکاری دستگاه‌های ذیربط، تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد.

تبصره ۲- مقام قضایی می‌تواند برای یک بار با اخذ تأمین مناسب و تعهد به ارائه گواهی موضوع ماده (۱۵) این قانون، نسبت به تعلیق تعقیب به مدت شش ماهه اقدام و معتاد را به یکی از مراکز موضوع ماده مزبور معرفی نماید. مراکز مذکور موظفند ماهیانه گزارش روند درمان معتاد را به مقام قضایی یا نماینده وی ارائه نمایند. در صورت تأیید درمان و ترک اعتیاد با صدور قرار موقوفی تعقیب توسط دادستان، پرونده بایگانی و در غیراین صورت طبق مفاد این ماده اقدام می‌شود. تمدید مهلت موضوع این تبصره با درخواست مراکز ذیربط برای یک دوره سه‌ماهه دیگر بلامانع است.

تبصره ۳- متخلف بدون عذر موجه از تکالیف موضوع تبصره (۲) این ماده به حبس از نود و یک روز تا شش‌ماه محکوم می‌شود.

به اجرای تکالیف مراقبت بعد از خروج مطابق تبصره ماده ۱۶ و همچنین آیین نامه اجرایی مراکز نگهداری، درمان و کاهش آسیب معتادان موضوع این ماده مصوب ۱۳۹۳/۳/۳۱ ستاد مبارزه با مواد مخدر و همچنین آیین نامه مراقبت بعد از خروج معتادان مصوب ۱۳۹۲/۸/۱۱ قوه قضاییه می باشند. عدم مبادرت و اقدام داوطلبانه به درمان یا ترک اعتیاد و یا ترک درمان قبل از بهبودی، تخلف از تکالیف قانونی جهت درمان و یا هرگونه سوء رفتار، گفتار و اعمال ناشی از اعتیاد، رفتارهای پرخطر محسوب شده و مراقبت‌هایی را برای اینگونه مجرمین پرخطر با دستور مقام قضایی و با نظارت مددکار اجتماعی (مراقبت) و تحت نظر گروه درمان گر و حتی استفاده از تجهیزات مراقبتی و نظارت الکترونیکی بلامانع می‌باشد.

بنابراین هر چند قانونگذار ابتداء با دیدی متفاوت و نگاهی بیمار گونه به اعتیاد سعی در اعمال رویکرد اصلاحی نسبت به اینگونه مجرمین دارد لیکن تجاهر به اعتیاد به عنوان یک رفتار خطرناک تلقی و مشمول تدابیر مراقبتی و ویژه جهت ننگ داشتن و الزام متجاهر به اعتیاد به رعایت دستورات لازم و درمان آن‌ها و رفع حالت خطرناک دارد.

۱-۵- بهره‌گیری از مصادیق محکومیت‌های مؤثر کیفری در قوانین

یکی از مواردی که می‌تواند در دستیابی به مصادیق جرائم و مجرمین خطرناک یاری کند، بهره‌گیری از قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر کیفری مصوب سال ۱۳۶۶^۱ و قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ است. قانونگذار در قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزایی (مصوب ۱۳۶۶/۸/۵) اصلاحی سال ۱۳۸۲، مجازات‌ها و جرائم مهمی را احصا کرده بود که محکومیت به آنها از منظر قانونگذار، مؤثر محسوب می‌شد. لازم به ذکر است که قانونگذار در تدوین ماده ۴۸ مکرر سابق از حداقل دو بار سابقه محکومیت‌های مؤثر به عنوان شاخص قانونی در معرفی مجرمین سابقه‌دار استفاده کرده بود. همچنین در ق.م.ا ۱۳۹۲، در تبصره ماده ۴۰، محکومیت مؤثر، محکومیتی توصیف شده که محکوم را به تبع اجرای حکم، بر اساس ماده ۲۵ این قانون از حقوق اجتماعی محروم می‌کند. مواردی که در ماده ۲۵ ق.م.ا موجب محرومیت از حقوق اجتماعی می‌شود محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی شدید و مهم است، مانند محکومیت به مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد، قطع عضو، قصاص عضو، نفی بلد و حبس تا درجه چهار، محکومیت به شلاق حدی و... بنابر این محکومین به مجازات اعدام، حبس ابد،

^۱ این قانون نیز به موجب ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ منسوخ اعلام شده است.

حبس بیش از ۱۰ سال در جرایم مواد مخدر از جمله محکومیت‌هایی می‌باشند که محکوم را از حقوق اجتماعی محروم می‌نمایند.

لازم به ذکر است که علاوه بر محرومیت از حقوق اجتماعی در محکومیت‌های شدید و مهم مطابق بند (ت) ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، یکی از شرایط استفاده از تعویق صدور حکم، نیز فقدان سابقه مؤثر کیفری است. بنابراین محکومیت‌های مؤثر کیفری می‌تواند یکی از معیارهای مهم در تعیین مجرمین پرخطر و کم خطر باشد. لذا همانگونه که قبلاً نیز بیان شد مجازات اعدام و حبس ابد و حبس بیش از ۱۰ سال در جرایم مواد مخدر از جمله محکومیت‌های مؤثر در قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر بوده و محکومین به اینگونه مجازات‌ها نیز از جمله مجرمین خطرناک به حساب می‌آیند.

۱-۶- مستثنی شدن مجرمان مواد مخدر از مزایای قانونی خاص با توجه به نوع جرم ارتكابی

تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات به عنوان تأسیس حقوقی سودمند و ارفاق آمیز، هنگامی استفاده می‌شود که جرائم شدید نیست و شخص بزهکار نیز داخل در عناوین مجرم حرفه ای یا مجرم به عادت و خطرناک قرار نمی‌گیرد. لکن به عقیده برخی از حقوقدانان، شدت و وخامت بعضی از جرائم نباید موجب محرومیت از توجه و ارفاق به گروهی از بزهکاران شود که همانند دیگران در معرض همان زیان‌های ناشی از اجرای مجازات‌ها خواهند بود. (نوربها، ۱۳۷۸) اساس و غایت تعلیق، اصلاح بزهکاران و پیشگیری از حوادث احتمالی آتی است و یکی از مهم‌ترین معیارهای افراد، جهت انتخاب شدن برای برخورداری از تعلیق، پایین بودن درجه خطرناکی آن‌ها برای جامعه و به بیان دیگر سبک بودن جرایم ارتكابی آن‌هاست. زیرا هدف اصلی در تعلیق اجرای مجازات همانگونه که بیان شد، اصلاح و درمان مجرمان است، تا اینکه با ورود به زندان متحمل آسیب‌های روانی و اجتماعی کمتری گردند و احساس عدم تعلق به جامعه در آن‌ها به وجود نیاید. خطر ارتكاب جرم را در خصوص مجرمان خطرناک بسیار بالاتر از حد عادی می‌دانند. همچنین با آزادی این افراد احساس عدم امنیت و ترس از جرم در جامعه افزایش می‌یابد. قانونگذار در قانون فعلی، جرائم و مواردی را از شمول تعویق صدور حکم و تعلیق مجازات مستثنی کرده است که از آنها می‌توان به طور نسبی به اهمیت و خطرناکی برخی از جرائم پی برد. در صدر ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی جرایم تعزیری درجه ۱ و ۲ را از شمول تعلیق اجرای مجازات خارج می‌داند یعنی مجازات‌های تعزیری بیش از پانزده سال مشمول تعلیق اجرای مجازات نمی‌باشند، هرچند این قاعده عام و حاکم بر تمام جرایم تعزیری

است لیکن در قانون مبارزه با مواد مخدر نیز مجازات بیش از ۱۵ سال بارها تکرار شده است و نتیجه اینکه اینگونه مجازات‌ها نمی‌توانند مشمول تعلیق قرار گیرد و فارغ از این موضوع، قانونگذار در ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی، بصورت خاص و بدون توجه به میزان مجازات، شش دسته از جرائم و شروع به آنها را از شمول تعلیق و تعویق مستثنی کرده که یکی از موارد آن قاچاق عمده مواد مخدر می‌باشد.^۱ هر چند در خصوص تعریف قاچاق عمده مواد مخدر در قانون مجازات اسلامی تعریفی ارائه نگردیده است، لیکن در تبصره یک ماده ۲۲۱ اصلاحیه فصل سوم از بخش سوم آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور (مصوب ۱۳۸۹/۲/۲۱) منظور از قاچاق عمده مواد مخدر را مواردی می‌داند که مجازات قانونی جرم حبس ابد یا اعدام باشد. با توجه به تبصره مذکور معنا و مفهوم قاچاق عمده در ماده ۴۷ قانون مجازات مشخص و از تشتت آراء در مراجع قضایی و تفکیک این مقوله از سایر عناوین قاچاق ساز مان یافته و یا قاچاقچیان حرفه‌ای و ... متمایز می‌باشد. که توجه به جرایم نام برده شده در ماده مذکور نشان از شدت و خطرناک بودن اینگونه جرایم دارد.

ماده ۱۰۹ که یکی از مواد جدید در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می‌باشد و در قانون سابق فاقد پیشینه است سه دسته از جرایم مهم و از جمله جرایم موضوع مبارزه با مواد مخدر را مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌داند.^۲ با توجه به اینکه مرور زمان مدتی است قانونی که با گذشت آن، حق اقامه شکایت، تعقیب متهم و یا اجرای حکم قطعی کیفری موقوف می‌گردد و یا به عبارت دیگر هر گاه رسیدگی به جرم و یا اجرای حکم قطعی مدت معینی به تعویق افتد، به آن جرم رسیدگی نمی‌شود و حکم قطعی به مرحله اجرا در

۱- ماده ۴۷ ق.م.ا: «صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آنها قابل تعلیق و تعویق نیست: الف - جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات، ب- جرائم سازمان یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، آدم ربایی و اسیدپاشی. پ- قدرت نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرائم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا. ت- قاچاق عمده مواد مخدر یا روان گردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و قاچاق انسان. ث- تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی الارض. ج- جرائم اقتصادی با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون ریال.

۲- ماده ۱۰۹- جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شوند: الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور ب- جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده پ- جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر

نمی‌آید. لذا استثنا شدن جرایم مواد مخدر از مرور زمان به عنوان یکی از عوامل سقوط مجازات نشان از شدت، اهمیت اینگونه جرایم در کنار جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، کلاهبرداری و جرایم اقتصادی موضوع ماده ۳۶ قانون مذکور و خطرناک بودن این گونه مجرمین و بکارگیری تدابیر سزاگرایانه و پیشگیری کیفری و جلوگیری از ارتکاب مجدد آنها، حتی با گذشت زمان طولانی از زمان وقوع و به محض کشف جرایم مربوط دارد.

آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین مصوب ۱۳۸۷/۹/۱۲ رئیس قوه قضاییه در ماده ۲۶ بعضی از جرایم شدید و از جمله قاچاقچیان حرفه‌ای^۱ را مشمول عفو، تخفیف و تبدیل مجازات نمی‌داند بنابر این محروم نمودن اینگونه جرایم از مزایای قانونی و نهادهای تعدیل کیفر می‌تواند نمایانگر شدت جرایم و خطرناک بودن اینگونه مجرمین باشد. همانگونه که ملاحظه می‌نماییم نوع جرم ارتكابی می‌تواند یکی دیگر از ملاک‌ها در تعیین مجرمین پر خطر از مجرمین کم خطر باشد، که قانونگذار ما با برشمردن برخی از جرایم خطرناک در جامعه، مرتکبین آن را از استفاده از تعویق صدور حکم یا تعلیق اجرای، عوامل سقوط مجازات از جمله مرور زمان و عدم پذیرش توبه به شرحی که گذشت منع می‌کند.

۱-۷- تجدیدنظرپذیری و رسیدگی جرایم مواد مخدر در مراجع قضایی خاص

دادگاه انقلاب برای رسیدگی به جرایم موضوع ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، از جمله رسیدگی به تمام جرائم مربوط به مواد مخدر تشکیل شده است و طبق ماده ۳۰۲ جرایم مواد مخدر و مهمی که موجب مجازات سلب حیات، حبس ابد و حبس بیش از ده سال باشد با تعدد قضات (رئیس و دو مستشار) رسیدگی می‌شود و برای سایر جرایم مواد مخدر با وحدت قاضی قابل رسیدگی خواهد بود، در قانون آیین دادرسی کیفری، احکام صادره از دادگاه انقلاب نیز قابل تجدیدنظرخواهی است. با نگاه اجمالی به مصادیق احکام غیرقابل تجدیدنظر در ماده ۴۲۷ می‌توان پی‌برد که قانونگذار، احکام صادره نسبت به مهمترین جرائم را قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدید نظر استان و دیوان عالی کشور دانسته است. و نکته قابل ذکر این است که جرایم مهم از جمله جرایم مواد مخدر و مشمول ماده ۳۰۲ هستند به ماده ۴۲۸ که از نظر قانون، مرجع تجدیدنظر نسبت به احکام صادره در مورد آنها، دیوان عالی کشور تعیین شده

^۱ در تبصره ماده ۲۶ آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین حرفه‌ای بودن و تعیین مصادیق مهم مقرر در این ماده به تشخیص رئیس قوه قضاییه است.

است، اصولاً جرائم مهم و خطرناک محسوب می‌شود. بنابراین از صلاحیت محاکم خاص در رسیدگی بدوی و تجدیدنظر جرائم خاص و تجدیدنظرپذیری احکام صادره نسبت به جرائم خاص در قانون می‌توان در ارائه مصداق و معیار از جرائم خطرناک بهره گرفت.

۱-۸- طبقه بندی مجرمین مواد مخدر و محرومیت های قانونی

در ایران، طبقه بندی محکومین و متهمین، توسط شورای طبقه بندی و به حسب گزارش کارشناسان صورت می‌پذیرد. مددکاران اجتماعی، به مدت دو ماه زندانیان تازه وارد را در قسمت پذیرش و تشخیص تحت آزمایش های پزشکی، روان پزشکی، آزمون های روان شناسی و شناخت شخصیت و استعداد قرار می‌دهند. همچنین ضمن انجام تحقیقات لازم در مورد پیشینه زندگی فرد، گزارش کاملی از گذشته محکوم یا متهم از دوران طفولیت تا زمان تنظیم گزارش، در محیط های اجتماعی مختلف تهیه می‌نمایند. در انقضای مدت اقامت افراد در قسمت پذیرش و تشخیص، کلیه گزارش های متخصصان در پرونده آن ها متمرکز می شود تا در شورای طبقه بندی مطرح شود.

شورای طبقه بندی متشکل از نمایندگان بخش های مختلف زندان، گزارشات را مورد بررسی قرار داده و با توجه به نوع و میزان محکومیت، پیشینه کیفری، شخصیت، اخلاق و رفتار در مورد محل اقامت زندانی - زندان بسته و یا مراکز حرفه ای و اشتغال - تصمیم می‌گیرد.^۱ لازم به ذکر است که تبصره ۱ ماده ۵۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ زندان ها را به زندان بسته، نیمه باز و مراکز حرفه آموزی و اشتغال و مراکز اقدامات تامینی و تربیتی از جمله کانون اصلاح و تربیت برای اطفال و نوجوانان تقسیم نموده است. و در تبصره ۲ این ماده مانند آیین نامه زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی ۱۳۸۴ شورای طبقه بندی را با توجه به فاکتورهای ذکر شده مرجع تشخیص محکومان حبس را در هر یک از اقسام زندان ها دانسته است. با توجه به فرایند مذکور، به نظر می‌رسد در ایران با توجه قانون و آیین نامه مذکور، طبقه بندی زندانیان بر مبنای مطالعات بالینی به عمل می‌آید.

علاوه بر آن با توجه به ماده ۴۲ قانون اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر به قوه قضاییه اجازه داده شده است تا بخشی از محکومان مواد مخدر را به جای زندان در اردوگاه های خاص (با شرایط سخت و عادی) نگهداری نماید. در همین راستا آیین نامه اجرایی اردوگاه های خاص

^۱ ماده ۸ آیین نامه سازمان زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی ۱۳۸۴.

نگهداری محکومان مواد مخدر موضوع ماده فوق‌الذکر مصوب ۱۳۹۱/۲/۱۷ ستاد مبارزه با مواد مخدر، ضمن بر شمردن شرایط و طبقه‌بندی محکومان، اردوگاه‌های با شرایط سخت را، الزامات و یا محرومیت‌ها و یا محدودیت‌های محکومان موضوع این آیین‌نامه از برخی از امتیازات که در زندان یا اردوگاه‌های با شرایط عادی برای زندانیان در نظر گرفته می‌شود، می‌داند.

ماده ۳ آیین‌نامه، سه دسته از محکومان مواد مخدر را در اردوگاه‌ها با شرایط سخت از جمله، محکومان به حبس ۱۵ سال و بیشتر، تکرار کنندگان جرایم مواد مخدر و محکومانی که رفتارشان در زندان‌ها و اردوگاه‌های با شرایط عادی ایجاب می‌نماید که به اردوگاه‌ها با شرایط سخت منتقل شوند، نگهداری می‌شوند. و نکته حائز اهمیت محدودیت‌های مقرر در ماده ۶ آیین‌نامه و از جمله عدم اعطای مرخصی مگر در موارد خاص و پیش‌بینی شده در این ماده و سایر محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های قانونی برای اینگونه مرتکبین می‌باشد، بنابراین تکرار کنندگان جرایم مواد مخدر، محکومین به حبس بیش از ۱۵ سال و محکومینی که رفتارهای غیر عادی و متفاوت از سایر محکومان زندانی و به تشخیص شورای طبقه‌بندی از جمله مجرمین خطرناک محسوب شده و ضمن بکارگیری تدابیر سخت‌گیرانه، الزامات، محرومیت‌ها و یا محدودیت‌هایی را نیز برای آن‌ها در نظر می‌گیرد.

علاوه بر آن در ماده ۲۲۱ اصلاحیه فصل سوم از بخش سوم آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور (مصوب ۱۳۸۹/۲/۲۱) درباره چگونگی اعطای مرخصی به زندانیان آمده است که محکومان به جرایم شدید و مهم، از شمول اعطای مرخصی مستثنی شده‌اند. که از جمله این مجرمین قاچاق مسلحانه یا عمده مواد مخدر می‌باشند که با بررسی اجمالی استثنائات یادشده در ماده ۲۲۱ مشخص می‌شود که از نظر تدوین کنندگان این ماده، چون مرتکبان جرائم مذکور در زمره خطرناک‌ترین مجرمان هستند و آزادی آنها تهدید جدی برای نظم و امنیت جامعه محسوب می‌شود، بنابراین اعطای مرخصی به آنها به جز در شرایط استثنایی و تدابیر خاص مقرر در مواد ۲۲۲ و ۲۲۳ امکان‌پذیر نیست و بکارگیری اینگونه محرومیت‌ها نمایانگر شدت جرایم و خطرناک بودن اینگونه مجرمین می‌باشد.

۲- نتیجه‌گیری

در نظام عدالت کیفری ایران پیش فرض‌های علمی و ملاک‌های دقیق در جهت تعیین مجرمین مواد مخدر به عنوان مجرمان پر ریسک به شیوه سایر کشورها وجود ندارد، و از این نظر قابل مقایسه با سیاست جنایی ریسک مدار به معنای واقعی خود که در آمریکا و کشورهای

غربی وجود دارد، نیست. لیکن رویکرد مبتنی بر سخت‌گیری کیفری در جرایم مواد مخدر که با مبانی امنیت‌گرایی، سازوکارهای عدالت استحقاقی و سیاست مدیریت کنترل جرم حمایت می‌شود، بر شدت‌گرایی و سخت‌گیری هر چه بیشتر بر مجرمان تأکید می‌کند. این تأکید بر سخت‌گیری در بسیاری از موارد که تحت تأثیر دیدگاه‌های مدیریت ریسک جرم و عوام‌گرای کیفری قرار می‌گیرد و به جرم‌انگاری وسیع، وضع مجازات‌های شدید و در مواردی به وضع قوانینی می‌انجامد که ملاحظات سخت‌گیری علمی را به کنار گذاشته و صرفاً دغدغه کنترل خطر جرم و حذف یا کاهش قابل تحمل بزهکاری را دارند. مواردی که در خصوص برخی از جرایم مواد مخدر نیز صدق می‌نماید. شاخص‌هایی از جمله، تکرار جرایم مواد مخدر، تظاهر به اعتیاد، نوع جرم و استثنا شدن از برخی از مزایای خاص و یا محرومیت‌های قانونی، مجازات‌های شدید از جمله اعدام و حبس‌های طولانی مدت را از قوانین موضوعه عام و خاص می‌توان استخراج نمود، که مبتنی بر سخت‌گیری کیفری در خصوص مرتکبین جرایم مواد مخدر به عنوان مجرمان پرخطر در جامعه می‌باشد.

عدم تعیین ضوابط دقیق برای مجرمان خطرناک، گاه منجر به اعمال سلیقه‌های شخصی قضات و در نتیجه نقض اصل برابری افراد در برابر حمایت قانون خواهد شد. لذا با توجه به رویکرد جدید قانونگذار در بند (الف) ماده ۴۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به ایجاد بانک اطلاعاتی برای مجرمان خطرناک، در قانونگذاری‌های بعدی در جهت تعیین ضوابط و معیارهای مشخص و علمی و حتی الامکان با بهره‌گیری از تجربیات سایر کشورها در این زمینه اقدام تا ضمن بهره‌گیری از فواید طبقه‌بندی این گونه مجرمان در تمام مراحل دادرسی، به هر گونه اختلاف نظر و سلیقه نیز در خصوص جرایم پرریسک و کم‌ریسک و مبنا و معیار تفکیک آن‌ها پایان دهد.

منابع و ماخذ:

- ۱- آنسل، مارک، ۱۳۷۰، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان.
- ۲- اکبری، حسین، ۱۳۷۹، «مطالعه نظری - عملی کیفر مرگ در حقوق مواد مخدر»، مجموعه مقالات (سخنرانی‌های داخلی) همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد ۱، روزنامه رسمی.
- ۳- بابایی، محمدعلی، ۱۳۹۰، جرم شناسی بالینی. چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
- ۴- بولک، برنار، ۱۳۸۷، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات مجد.
- ۵- پاک نهاد، امیر، ۱۳۸۸، سیاست جنایی ریسک مدار. چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- ۶- پرادل، ژان، ۱۳۸۸، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات سمت.
- ۷- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، ۱۳۸۸، اصلاح مجرمان در سیاست جنایی تقنینی ایران. فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۳.
- ۸- رایجیان اصل، مهرداد، ۱۳۸۴، حمایت از بزه دیدگان در جرایم مواد مخدر، از کتاب علوم جنایی (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقاء دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران)، کمیته معاضدت قضایی ستاد مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد در ایران، تهران، نشر سلسبیل.
- ۹- رحمدل، منصور، ۱۳۷۹، تحولات سیاست جنایی ایران در قلمرو مواد مخدر ۱۳۷۹-۱۳۸۹، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۲.
- ۱۰- رحمدل، منصور، ۱۳۸۵، تحولات سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در زمینه مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر»، مجله جامعه شناسی ایران، شماره ۱.
- ۱۱- رضوانی، سودابه، ۱۳۹۱، مدیریت انسان مدار ریسک جرم، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- ۱۲- ساکی، محمد رضا، ۱۳۹۱، مواد مخدر و روانگردان از دیدگاه علوم جنایی و حقوق بین‌الملل، تهران، انتشارات جنگل.
- ۱۳- صفاری، علی، ۱۳۸۷، کیفر شناسی، تهران، انتشارات جنگل.
- ۱۴- طاهری، سمانه، ۱۳۹۲، سیاست کیفری سخت گیرانه، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- ۱۵- غلامی، حسین، ۱۳۸۸، بررسی حقوقی - جرم شناختی تکرار جرم، تهران، نشر میزان.

- ۱۶- قناد، فاطمه، ۱۳۷۹، «بررسی تناسب میان جرم و مجازات در جرائم مواد مخدر در نظام حقوقی ایران»، مجموعه مقالات (سخنرانی‌های داخلی) همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد ۱، روزنامه رسمی.
- ۱۷- کاتینگهام، جان، ۱۳۸۶، فلسفه مجازات، ترجمه ابراهیم باطنی و محسن برهانی، مجله فقه و حقوق، شماره ۴.
- ۱۸- لواسور، استفانی و بولک، ۱۳۷۷، حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن دادبان، جلد دوم، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۹- مدنی قهفرخی، سعید، ۱۳۹۰، اعتیاد در ایران، تهران، نشر ثالث.
- ۲۰- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، ۱۳۹۰، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ۲۱- نوریها، رضا، ۱۳۷۸، زمینه حقوق جزای عمومی. چاپ سوم، تهران، نشر گنج دانش.
- ۲۲- یالوم، اروین، ۱۳۸۷، هنر درمان، ترجمه سپیده حبیب، چاپ سوم، تهران، نشر کاروان.
- قوانین و آیین‌نامه‌ها
- ۲۳- آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۷۷/۱۰/۲۲
- ۲۴- آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۰ و اصلاحات ۱۳۸۹.
- ۲۵- آیین‌نامه اجرایی اردوگاه‌های خاص نگهداری محکومان مواد مخدر و روانگردان موضوع ماده ۴۲ قانون اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۱/۲/۱۷.
- ۲۶- آیین‌نامه اجرایی مراکز مجاز درمان و کاهش آسیب اعتیاد به مواد مخدر و روان‌گردان‌ها موضوع تبصره یک ماده ۱۵ اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱۷.
- ۲۷- آیین‌نامه مراقبت بعد از خروج معتادان مصوب سال ۱۳۹۲ رئیس قوه قضاییه.
- ۲۸- آیین‌نامه اجرایی مراکز نگهداری، درمان و کاهش آسیب معتادان موضوع ماده ۱۶ قانون مبارزه با مواد مخدر با اصلاحات و الحاقات بعدی مصوب ۱۳۹۳/۳/۳۱.
- ۲۹- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ و اصلاحات و الحاقات ۱۳۹۴/۳/۲۴.
- ۳۰- قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ و اصلاحات و الحاقات بعدی مصوب ۱۳۸۹/۵/۹.
- ۳۱- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

منابع لاتین

- 32- Thomas, Terry (2010) the sex offender register, community notification and some reflections on privacy: willan publishing, pp 61- 78.
- 33-Greenwood, W Peter (2006), Delinquency Prevention as crime - control policy, first edition, Chicago: publication of Chicago university.
- 34- Welsh, Brandon C. (2006). Evidence – Based Crime Prevention: Scientific Basis, Trends, Results and Implications for Canada, by: National Crime Prevention Centre (NCPC).